

ما در آثار صنع حیرانیم

وحید رأفتی

حضرت بهاءالله در آثار خود حضرت عبدالبهاء را با القاب و عناوین شامخی نظیر "من طاف حوله الاسماء" و "سرّالله الاقوم" و "من اراده الله" و "الفرع المنشعب من هذا الاصل القویم" وصف نموده اند. (۱)

مقام حضرت عبدالبهاء به عنوان جانشین حضرت بهاءالله و مبین کلمةالله در کتاب اقدس که امّ الكتاب شریعت بهائی است نیز تنصیص گردیده و سپس در کتاب عهدی یعنی وصیت نامه حضرت بهاءالله مورد تأکید و تصریح مجدد قرار گرفته است. (۲) غیر از این تصریحات در آثار حضرت بهاءالله از حق جلّ جلاله مسئلت شده است که عالم به نور علم و حکمت حضرت عبدالبهاء منور گردد. اوست که حرز عالمیان است و حصنی برای اهل ایمان محسوب می گردد. (۳)

حضرت عبدالبهاء پس از صعود جمال اقدس ابهی بنابر نص کتاب اقدس و کتاب عهدی قیادت جامعه بهائی را به عهده گرفتند و علی رغم وجود القاب شامخه و محامد و نعوتی که مذکور افتاد، لقب "عبدالبهاء" (به معنی بنده بهاء) را برای خود برگزیدند و در آثار و مکاتیب عدیده ای که مخصوصاً در سنین اوّلیه قیادت از قلم آن حضرت عزّ صدور یافت جمیع اهل بهاء را به صراحت و صرامت تمام به این امر دعوت نمودند که آن حضرت را عبدالبهاء بخوانند و به نام و لقب و نعت و صفتی دیگر ملقب و مخاطب نسازند. (۴)

حضرت عبدالبهاء در قبال مسئولیتی که به حکم کلمةالله بر عهده داشتند البته در مقام "مبین کتاب" و "مرکز میثاق الهی" به رهبری اهل بهاء اشتغال جستند و آثار صادره از قلم خود را به الهام الهی مؤید دانسته (۵) در طی بیست و نه سال (۱۹۲۱-۱۸۹۲م) در غایت درایت، حکمت و قدرت، سفینه شریعت الهیه را علی رغم تلاطم امواج سهمگینی که بر آن وارد شد ملاحی مقتدر گشتند و با تربیت و تعیین و تنصیص

جاننشینی بعد از خود امور امر الهی را به کف با کفایت حضرت شوقی افندی، ولی امرالله سپردند. (۶)

اگر چه مقام و موقعیت حضرت عبدالبهاء در ضمن آثار و افعال آن حضرت در ایام حیات مرکز میثاق بر اهل بهاء واضح و نمایان بود و اهل بصیرت مقام شامخ آن حضرت را می شناختند اما جلوس حضرت ولی امرالله بر اریکه ولایت و صدور توافیق قیمه مهمه از قلم آن حضرت را می توان آغاز درک مقام و موقعیت حقیقی حضرت عبدالبهاء در تاریخ امر بهائی دانست (سال های ۱۹۵۷-۱۹۲۱م) چه در آثار حضرت ولی امرالله بود که پرده از چهره واقعی حضرت عبدالبهاء برداشته شد و نقش و مقام فرید آن حضرت نه تنها در امر بهائی بلکه در تاریخ ادیان عالم به دقت و ظرافت تصویر گردید. حضرت ولی امرالله اهمیت الواح وصایای حضرت عبدالبهاء را نه تنها به عنوان یک وصیت نامه خصوصی و فامیلی بلکه به عنوان منشور نظم اداری بهائی مورد تأکید قرار دادند و قوای مودوعه در این ودیعه الهیه را که به فرموده مبارک ولید میثاق است، شرح و توضیح فرمودند. (۷)

در آثار حضرت ولی عزیز امرالله الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء (۸) به عنوان منشور بسط و توسعه امر الهی مورد تأکید و تعمق قرار گرفت و سپس در ظل قیادت و مجاهدت خستگی ناپذیر حضرتش به مورد اجرا و عمل درآمد و به عنوان مصدر و منبع اصلی برای تهیه و تنظیم نقشه های تبلیغی بعدی محسوب گشت. (۹)

حضرت ولی امرالله در اثر نفیس و گران قدری که به رساله دوربهائی موسوم است، بخشی خاص را به شرح و توضیح مقام حضرت عبدالبهاء اختصاص دادند تا نقش و موقعیت آن حضرت را در تاریخ امر بهائی برای اهل بهاء واضح سازند و آنان را در شناسایی شخصیت حضرت عبدالبهاء مساعدت نمایند. (۱۰)

این بخش از رساله دور بهائی مهم ترین وثیقه ای است که برای معرفت مقام و موقعیت حضرت عبدالبهاء به قلم توانای حضرت ولی عزیز امرالله به رشته تحریر در آمده و در آن به وضوح و قاطعیت شئون، کمالات، قوای معنویه و نقش حیاتی حضرت

عبدالبهاء در مقدرات امر بهائی به قلم پرتوان آن حضرت شرح و تبیین گردیده است. علاوه بر رساله مزبور سایر آثار و توابع حضرت ولی امرالله نظیر فصولی از کتاب قرن بدیع (God Passes By) و توقیعات مهمه آن حضرت به لسان فارسی شارح نقش حضرت عبدالبهاء در تاریخ امر بهائی و اهمیت وقایع و حوادث دوره مرکز میثاق و سایر مطالب وابسته به ایام قیادت آن حضرت در مقام مبین کلمه الله است.

در تقسیمات زمانی ادوار توسعه و استقرار امر الهی، حضرت ولی امرالله هر چند دوره قیادت حضرت عبدالبهاء را مرحله‌ای مشخص تعیین نموده و آن را به عهد بیست و نه ساله میثاق تسمیه فرموده‌اند اما این عهد را نظر به قداست انتساب آن به حضرت عبدالبهاء عبارت از سومین عهد متعلق به عصر اول دور بهائی یعنی عصر رسولی محسوب داشته و حضرت عبدالبهاء را با حضرت نقطه اولی و جمال اقدس ابهی عبارت از هیاکل اصلیه ثلاثه آئینی دانسته‌اند که فیض وجود و آثارشان تمام دوره هفتاد و هفت ساله آن عصر را که مقارن با ولادت تا صعود حضرت عبدالبهاء می باشد، مستفیض داشته و صعود حضرت عبدالبهاء آن عصر مشعشع رسولی را اختتام بخشیده است. (۱۱)

در عهد ثلاثه عصر رسولی (۱۹۲۱-۱۸۴۴)، عهد اعلی، عهد تبشیر و عهد ابهی، عهد تشریح و عهد میثاق، عهد تأسیس است. در عهد نه ساله اعلی (۱۸۵۳-۱۸۴۴) سینه ارض جدید معارف کاویده شد، در عهد سی و نه ساله ابهی (۱۸۹۲-۱۸۵۳) بذر معارف الهیه در آن سینه جای گرفت و در عهد بیست و نه ساله میثاق (۱۹۲۱-۱۸۹۲) مراحل مقدماتی نشو و ارتقای کشته ها آغاز گشت و ثمرات نوبر خود را به عرصه شهود عرضه داشت. این سه عهد، عصر هفتاد و هفت ساله رسولی را در دور اول بهائی تشکیل می دهد، عصری که تمام آن به حکمت الهی به وجود حضرت عبدالبهاء مزین است.

مناقبی که در افکار، آثار و حرکات حضرت عبدالبهاء تجلی یافته و حتی در قیادت آن حضرت جلوه ای بارز نمود، نتیجه تمسک وجودی حضرت عبدالبهاء به اصل

عبودیت و محویت و فنا در مقابل کلمه‌الله و مظهر کلیه الهیه، جمال اقدس ابهی است. معنی این کلام آن که حضرت عبدالبهاء با سلب وجود از خود و وصول به فنای محض در مقابل کلمه الهیه جمیع قوا و استعدادات مودوعه در کلمه الهیه را از خود متجلی ساختند و با فدا کردن اهواء و امیال شخصیه ظهور کامل نیات و مقاصد جمال قدم را سبب شدند. (۱۲)

کلمه الهیه جامع کتاب تدوین و تکوین است، عقل کلی الهی است، لوح محفوظ و رُق منشور است و کسی که از خود فانی می‌شود و به عبودیت کلمه الهیه قیام می‌نماید از خلق و نواقص عالم کون رهایی می‌یابد و به علو شأن و مدارجی از کمال دست می‌یابد که اعلی مرتبه کمال ممکن در عالم امکان است.

اصل عبودیت که از آن به ترک اختیار خود و جهد در تبعیت بلاشرط از اراده مولی تعبیر می‌شود و به طوع و رغبت، بل به التماس و التجاء طلب می‌گردد، وصول به آزادی از شرایط عالم وجود و دست یابی به قوت و قدرت و ادراک و مشعری را میسر می‌سازد که از دسترس عامه خلق خارج است. (۱۳) نفسی که به مرحله اعلای فنا و انقطاع از نفس و شئون نفسانیه واصل می‌شود وجودش عین فیض می‌شود و اسرار الهی و معارف ربانی از قلب و لسانش جاری می‌گردد. وصول به نهایت درجه عبودیت وصول به قوه و قدرتی را میسر می‌سازد که خارق شرایط و مقتضیات عالم ناسوتی است. (۱۴)

در این مقام واصل به مرتبه عبودیت کبری همچون نی که از خود به کلی تهی گشته است نغمات روح بخش نائی الهی را به مسامع اهل عالم می‌رساند و یا همچون آینه که از هر آلیشی پاک و مقدس گردیده است اسماء و صفات الهی را از خود متجلی می‌سازد. چنین نفسی پس از خلع شئون مادی و محدودیت های ناشی از افکار و اعمال ناسوتی قدرت تصرف در مقتضیات عالم وجود را می‌یابد و قوای مودوعه در اسماء حسنی و صفات علیای حق را از خود و در اخلاق، افکار، اعمال و آثار خود ظاهر می‌سازد. او در حیظه و محدوده عالم صغیر مثال عالم کبیر می‌شود و نمونه آنچه را که در عالم کبیر موجود است در خود نمودار می‌سازد. در وجودی که به غایت بندگی فائز

شده فضیلت، معنویت و سایر سجایا و کمالات انسانی در اعمال و رفتار او معنی می‌پذیرد و تعریف و توصیف می‌شود. چنین وجودی قابلیت آن را می‌یابد تا مطاع شود، مولی‌الوری گردد، مثل اعلای تعالیم و آرمان‌های بهائی قرار گیرد و کلیه صفات و فضائل امر جمال قدم را در خود و از خود ظاهر سازد.

از آنچه گفتیم این مطلب را استنتاج کنیم که اگر چه بر اساس آثار جمال قدم، حضرت عبدالبهاء شرعاً و منطقاً جانشین حضرت بهاء‌الله شدند و به حکم و سندیت کتاب اقدس و کتاب عهدی اطاعت از حضرت عبدالبهاء بر ذمه اهل بهاء قرار گرفت اما بر اثر تمسک بلاشروط آن حضرت به اصل عبودیت بود که اهل بهاء نه فقط به حکم اندیشه و شرع بلکه به حکم عاطفه، مشاهده و تجربه هیکل اطهر حضرت عبدالبهاء را مولی و مقتدای خود دانستند و در میدان محبت و اخلاص به آن حضرت به وفاداری و خدمت و جانفشانی و حتی ایثار جان و مال و هست و نیست خود راضی و خشنود شدند.

نصوص جمال قدم در تنزیص جانشینی حضرت عبدالبهاء و عهدی که از پیروان خود در تبعیت از حضرت عبدالبهاء گرفتند به آن حضرت قابلیت داد و تمسک حضرت عبدالبهاء به اصل عبودیت، ظهور قوای مودوعه در عهد و میثاق الهی را در این دور بدیع ضمانت نمود.

صحنه‌ای که جاودانه ثمرات عبودیت و بندگی حضرت عبدالبهاء را در معرض دید و قضاوت عالم بشری قرار می‌دهد و کمالات، خلیقات، ذوقیات و سایر استعدادات ذاتی حضرت عبدالبهاء را عرضه می‌دارد، صحنه پر جلال، پر جمال و پر منقبت آثار صادره از قلم خستگی‌ناپذیر آن طلعت مبارک است.

آثار حضرت بهاء‌الله بنا بر معتقدات اهل بهاء به وحی الهی است، کلمه خلّاقه مطاعه ربانی است، آیات نازله از سماء مشیت جمال قدیم است و به فطرت ذاتیه‌ای که مستفیض از عصمت کبرای الهی است بر عالم وجود افاضه گردیده است.

آثار حضرت عبدالبهاء کلام مبین است. در این کلام است که آیات نازله از قلم

اعلای جمال قدم شرح می شود، به قید تنسیق و تنظیم درمی آید، گسترش می یابد و مقدرات و استعداداتش از حیثه انتزاع و تجرّد به حیثه لمس و تجلّی در حیات ناسوتی کشیده می شود. آثار مبین اگر چه به وحی الهی نیست و جزئی از کلمه خلّاقه مظهر امرالله محسوب نمی گردد اما به حکم میثاق جمال قدم برای اهل ایمان از تقدّس و قاطعیت و شرافتی برخوردار است که پس از کلمه الله مأخذ ثانی و تالی وحی در عرضه عقاید و آراء بهائیان قرار می گیرد و ملاک اعمال و رفتار و گفتار آنان می شود.

کلامی که از قلم مبین آیات به الهام الهی نشئت گرفته است محصول درک صریح کلمه الهیه و تجربیات، مطالعات، مشاهدات و حرکت شوقیه ای است که در وجود حضرت عبدالبهاء به ودیعه گذاشته شده است.

مندرجات آثار حضرت عبدالبهاء را که از ایام صباوت از قلم آن حضرت تراوش نموده و در عهد میثاق به اعلی درجه فیضان خود فائز گشته است، نمی توان در این مقام تلخیص نمود و یا حتی فهرست جامعی از اهم مطالب آن ارائه داد چه کتب، رسائل و مکاتیب آن حضرت که به بیش از بیست و پنج هزار فقره بالغ می گردد به منزله دریایی وسیع، عمیق و سرشار از دُرر و آثار فخریه است که به سهولت به قید طبقه بندی و تنسیقی جامع در نمی آید، لذا در این مقام به شرح مختصر چند مطلب که محور اساسی کثیری از آثار آن حضرت را تشکیل می دهد اکتفاء نموده مراجعه و مطالعه آثار حضرت عبدالبهاء را برای معرفت عمیق تر مبانی فکری و آراء و عقاید آن حضرت توصیه می نمایم. (۱۵)

به شهادت آثار حضرت عبدالبهاء قوی ترین قوه ای که بر عالم وجود حکومت می کند قوه کلمه الله است. اوست که حیات می بخشد، قلب ماهیت می کند، خلق می نماید، محفوظ می دارد، رزق می دهد و وجود کل شیئی به او وابسته است. قوه کلمه الهیه در عالم انسانی به منزله فیض آفتاب در جهان کیهان است. کلمه الهیه به مثابه روح است و هیكل وجود به مثابه جسم. فیض و برکت ناشی از عقول و افکار انسانی هر قدر نافذ و خلّاق باشد محدود است اما فیضی که از کلمه الله نشئت می گیرد اثرات و ثمراتش حد

نمی‌شناسد و در توالی زمان از جلوه باز نمی‌ماند. حقیقت و واقعیت تجدد در ظهور مظاهر مقدّسه در هر عصر معنی می‌یابد و تجدید دین الهی است که تجدد در همه شئون بشری را به دنبال می‌آورد.

تعالیم و سنن ادیان الهیّه اعظم تجلّی گاه کلمه الهیّه است. دین در نظر حضرت عبدالبهاء فیض وجود است. قواعد و مقرّراتش حافظ و محیی جان‌ها است. لبّ لباب دیانت محبّت است که در حقائق همه اشیاء ساری و جاری است. دین نور است و آداب و مناسک و حدود و احکام آن بمنزله مشکاتی است که دیانت را محفوظ می‌دارد و امکان تجلّی نور را میسر می‌سازد. حقیقت دین عبارت از تنزیه و تقدیس از شئون ناسوتی است. هدف آن گسستن انسان از مقتضیات جهان مادی است و تا قوّت و قدرت تعالیم الهی در هیكل امکان نافذ نگردد و شریعت الله در قلوب و افکار و اعمال ناس مؤثر نشود، جهان امکان به حرکت هماهنگ و موزون در نیاید و مقصد از حرکت و مسیر حرکتش معلوم نگردد. ناموس و فطرت طبیعی افراد انسانی مانع از ارتکاب فجایع و قبایح نیست و ضامن کسب و تعالی کمالات معنویه او نمی‌گردد. دیانت است که مقام انسان را تعریف می‌کند، رابطه او را با خالق و مخلوق مشخص می‌سازد و حرکات فردیّه هر انسانی را با سایر افراد انسانی و با جهان کیهان هماهنگ می‌نماید.

شرح و بسط این مطالب انسان و قضایای وابسته به او را در مرکز ثقل آثار حضرت عبدالبهاء قرار می‌دهد. برای این سئوالات که انسان کیست؟ از کجا آمده است؟ چرا آمده است؟ و به کجا می‌رود؟ در آثار حضرت عبدالبهاء جواب‌های متین و قاطع می‌توان یافت. انسان بزرگوار، جمیل، دانا و توانا خلق شده است، اگر از عالم ملکوت خبر گیرد و صعود در مدارج ترقیات روحانیه را هدف زندگی ناسوتی خویش سازد. بهره‌گیری از همه لذات عالم وجود حق انسان است تا از هر چه هست بهره‌گیری، از هر لذتی نصیب برد و جای خود را بر فرق وجود بیند بدان شرط که غرّه نشود و در استمتاع از لذات ناسوتی از لذات باقیّه نگذرد و بنیان حیاتی ابدی را فدای تمتعی زودگذر نسازد.

آثار حضرت عبدالبهاء انسان را به تحرّک می‌خواند تا برخیزد، طرح الفت ریزد، خفتگان را بیدار نماید، خاموشان را به خروش آرد و مدهوشان را سرمایه هوش شود. در تحرک انسانی هم حرکت دوریه ای در حول عالم طبیعت میسر است و هم حرکت محمودیه‌ای که پرواز از طبیعت و سوق به عوالم ملکوتی را میسر می‌سازد. (۱۶) انسان بصیر را حرکت محمودیه غایت است و آن غایت رسیدنی است اگر همّت نمایان باشد، جان و وجدان برای خدمت به وحدت عالم انسان بسیج شود و خیر عموم بر مصالح فردیه رجحان یابد. سوق در حرکت محمودیه زحمت دارد، تمرین و ممارست می‌طلبد، عزم جزم می‌خواهد تا در مرتبه اعلاّی آن انسان مظهر رحمن گردد، مطلع انوار حضرت یزدان شود و به این کمالات در مرکز خاک سیر عالم افلاک نماید. (۱۷)

آثار حضرت عبدالبهاء درس اخلاق می‌دهد، انسان را به توکل و صبر و سعه صدر دعوت می‌کند، ادب و انسانیت را شرح و تعریف می‌نماید، میزان اخلاقی به دست می‌دهد، هدف اخلاق را معین می‌سازد و راه وصول به اهداف عالیّه را نشان می‌دهد. تقوی و صلاح درع انسان است. مرضی که بر جهان مستولی است به داروی سیاسی و درمان آزادی و های و هوی انقلابات اجتماعی و نظامی مداوا نگردد و علاج نپذیرد زیرا مرض به اخلاق و وجدان سرایت کرده و بر جان و دل انسان مسلط گشته است. (۱۸) درد این جان خسته و دل افسرده با معجون محبّت الهیه زدودنی است.

آثار حضرت عبدالبهاء انسان را دعوت به آزادی می‌کند. انسان در قفس تعصّب و حدود و قیود آب و خاک و ملیّت پرستی اسیر است. او بیش از محکومیت در رژیم سیاسی حاکم بر او، محکوم اهواء و امیال خویش است. چون بند خواهش های نفسانی را بگسلد و از بند شعائر بشری به در آید و در ایوان دوست مقرر گزیند، به آزادی رسد. آزادی انسان در گرو وسعت قلب و افکار اوست. قلب و فکر محدود، انسان را محدود می‌کند. تعصّب دینی، نزاع مذهبی، جدال وطنی و برتری نژادی همه قید است. وصایا و تعالیم الهیه است که هر قیدی را می‌گشاید و پرواز از جهان تنگ و تاریک را به سوی عالم انوار میسر می‌سازد. (۱۹)

در آثار حضرت عبدالبهاء حقیقت فرح تصویر می شود. فرح و سروری که از امور جسمانی ناشی می شود تأثیراتش محدود و زودگذر است اما فرح معنوی پایدار می ماند. فرح معنوی نتیجه محبت الله است، فرع بر تمسک به فضائل و کمالات عالم انسانی است. فرح و سرور در انقطاع و انجذاب و اشتیاق به ملکوت الهی است. تا نشئه صهبای محبت الله حاصل نگردد، نور فرح الهی و سرور رحمانی ندرخشد. فرح واقعی در فرزاندگی و فتوت است، در عطا و بخشش است و تا این کمالات تحصیل نگردد هر اسباب وجد و طربی که فراهم آید اثراتش محدود خواهد بود. (۲۰)

شرح آراء و افکار دیگر حضرت عبدالبهاء حتی به اجمال در این مقاله که اساس آن بر اختصار است ممکن نیست لذا به همین مقدار اکتفا نموده در نتیجه نظری بسیار کلی به آثار آن حضرت فقط به ذکر مطلبی دیگر می پردازیم که بسیاری از آثار حضرت عبدالبهاء شامل شرح و تبیین مستقیم احکام حضرت بهاء الله است که در اثر آن به وسعت فروع و حدود احکام شرعی و نحوه کاربرد آنها اضافه شده است.

آثار قیمه عدیده دیگر حضرت عبدالبهاء در شرح و توضیح قضایای فلسفی، عرفانی، اجتماعی، تاریخی و مسائل وابسته به نظم اداری بهائی است و مندرجات قسمت عظیم دیگری از آثار آن حضرت را "اعلان" یوم جدید الهی و تشریح قوا و استعدادات و کمالات مودوعه در رجعت بهار روحانی تشکیل می دهد. مطلب اصلی دیگری که جان آثار عدیده آن حضرت است "دعوت" خلق به تمسک به شریعت الله، تحصیل قربیت الهیه، قیام به خدمت امر و کسب رضای الهی است تا مناقب حیات ناسوتی برای کسب کمالات روحانی بسیج شود و حصول آمادگی برای ورود در عوالم اخروی را میسر سازد.

هر چند اکثریت قاطع مخاطبین آثار حضرت عبدالبهاء بهائیان بوده اند اما "اعلان" و "دعوت" حضرت عبدالبهاء قطعاً به جرگه اهل ایمان محدود نمی گردد و وصایا، نصایح، انذارات، ارشادات و بالاخره فیضی که از قلم سخا هیکل اطهر تراوش نموده است همه افراد جامعه انسانی را مستفیض می سازد.

مطالعه و تدقیق در آثار حضرت عبدالبهاء اساس الهیات و شرعیات بهائی را استحکام خواهد بخشید؛ معیارهای اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی بهائی را بنیاد خواهد نهاد؛ آفاق جهان بینی و فلسفه اجتماعی و سیاسی امر بهائی را روشن خواهد نمود؛ ارتباط عاطفی، عقلی و تاریخی امر بهائی را با انظمه فکری و دینی عالم مشخص خواهد ساخت و کل آثار آن حضرت عالم وجود را چراغی فرا راه هدایت برای صعود به قله رفیعۀ فضائل عالم انسانی خواهد بود.

حضرت عبدالبهاء و جهانی که در آثار خود خلق فرموده اند موضوع مورد مطالعه در تمام دور بهائی است.

سخن سعدی در صدر کلام را زیب ذیل کلام کنیم که می فرماید:

تو به سیمای شخص می نگری

ما در آثار صنع حیرانیم.

یادداشتها:

- ۱- برای ملاحظه آثار جمال قدم که حاوی این القاب می باشد به ادعیه حضرت محبوب (لانگنهان: لجنه نشر آثار، ۱۹۸۰م)، ص ۱۰۷ و فقرات ۱۲۱ و ۱۷۴ در کتاب اقدس مراجعه فرمایید.
- ۲- نگاه کنید به فقرات ۱۲۱ و ۱۷۴ در کتاب اقدس. کتاب عهدی در ادعیه حضرت محبوب، صص ۴۲۰-۴۱۰ منتشر شده است.
- ۳- نصوص جمال قدم در ادعیه حضرت محبوب، ص ۱۰۵ و رساله دور بهائی (لانگنهان: لجنه نشر آثار، ۱۹۸۸م)، ص ۶۰ به طبع رسیده است. شرحی در باره رساله دور بهائی ذیلاً به نظر خوانندگان گرامی خواهد رسید.

۴- برای ملاحظه شمه‌ای از آثار حضرت عبدالبهاء در باره تسمیه خویش به عبدالبهاء و تقاضای از یاران در نامیده شدن به این عنوان به کتاب منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء (لانگنهاین: لجنه نشر آثار، ۲۰۰۳ م)، ج ۵، صص ۱۳۱-۱۲۸ مراجعه فرمایید.

۵- حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه چنین می فرماید: «... اگر در معنی کتاب ارتیابی حاصل شود رجوع به مبین فرمایند تا به هیچوجه در اعتقاد و آراء و افکار و شئون و گفتار و رفتار اختلافی حاصل نگردد...». (منتخباتی از مکاتیب، طبع ۱۹۸۴ م، ج ۲، ص ۱۳۲).

و نیز در اثری دیگر چنین می فرماید: «... اختلاف هادم بنیان الهی است لذا به عبارت صریح و صحیح مرکز میناق بیان این مسئله را می نماید تا ابدأ اختلافی نماند...». (عبدالحمید اشراق خاوری، مانده آسمانی، طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۹ ب، ج ۵، ص ۱۸۴).

و نیز حضرت عبدالبهاء در لوحی دیگر چنین می فرماید: «به نص کتاب اقدس مرکز میناق را مبین کتاب فرمودند که از اول ابداع تا یومنا هذا در ظهور مظاهر مقدسه چنین عهد محکم متینی گرفته نشده». (دور بهائی، ص ۶۲).

و نیز حضرت عبدالبهاء در لوحی دیگر که در کتاب مکاتیب عبدالبهاء (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۲ ب، ج ۵، ص ۱۶۰) به طبع رسیده چنین می فرماید که: «... این قلم مؤید و ملهم است...».

۶- متن الواح وصایای حضرت عبدالبهاء در تنصیص حضرت ولی امرالله به جانشینی در ایام تسعه (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۱ ب)، صص ۴۸۴-۴۵۶ منتشر شده است.

۷- حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۱۹۹۲ م، ص ۶۶۹) در باره الواح وصایا چنین می فرماید:

«... و چون مضامین الواح وصایا منشور مقدس نظم اداری امر حضرت بهاءالله و شارح کیفیت تأسیس آن واضح و آشکار گردید یاران الهی و ثابتان بر عهد و میثاق یزدانی به تمهید اساس و وضع ارکان این نظم ابداع اتقن بر شالوده قومی که شهداء امرالله با ایثار خون مطهر خویش نهاده بودند، پرداختند...».

۸- متن الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء در صدر جلد سوم کتاب مکاتیب عبدالبهاء (قاہرہ: فرج الله زکی الکردی، ۱۹۲۱ م) به طبع رسیده است.

۹- حضرت ولی امرالله در باره الواح نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء در کتاب قرن بدیع (صص ۶۲۷-۶۲۱) چنین می فرماید:

«... در همان ایام مظلم که شدائد و محن خاطرات سجن ادهم عکا را تجدید می کرد، آن منادی ملکوت اراده فرمود بار دیگر فارسان مضمار خدمت را در خطه آمریکا به الطاف و عنایات لانهای خویش مخصص و ممتاز گرداند و در حینی که رسالت مقدس در عالم ترابی رو به پایان می رفت امری عظیم و وظیفه ای خطیر و منبع به آن مشعل داران مدنیت الهیه محول و آن جنود مجتهد را به تسخیر مدن و دیار و اقطار و امصار موظف فرماید. این بود که از کلک اطهرش طی الواح متعدده مخصوصه که بعضی در جوار روضه مقدسه علیا و برخی در بیت مبارک عکا و پاره ای در صفع جبل کرمل در ظل مقام بهی الانوار اعلی عز نزول یافته دستور افخم اکرم و منشور ابداع اعظم متضمن این معموریت جلیل به آن حامیان حصن حصین ابلاغ گردید، مأموریت مقدسی که هنوز پس از مزی یک ربع قرن مقام و منزلتش از انظار مستور و اثرات فائقه آن مکتوم و مجهول و آنچه تاکنون از آثار بهیه و نتایج باهره آن ظاهر و هویدا گشته و صفحات تاریخ قرن اول بهائی را مجلل و مزین ساخته است، رشی از نوایای عالیه و مآرب سامیه متعالیه‌ای است که آن سالار جند هدی از صدور این

نقشه ملکوتی در نظر داشته و به مرور ایام به تأییدات الهیه و توفیقات لاریبیه صمدانیه از حیز غیب به عرصه شهود خواهد آمد و عالم کون را به انوار مضمینه اش روشن و تابناک خواهد ساخت...

به طوری که از قبل مذکور گردید هیکل میثاق در اواخر ایام حیات فرمانی عظیم الشان خطاب به جمهور مؤمنین و مؤمنات در خطه آمریکا صادر فرمود و چون این یرلیغ بلیغ و دستور منبع در اولین انجمن شور روحانی دوستان آن اقلیم پس از خاتمه جنگ تلاوت گردید گروهی از فارسان مضممار الهی و مجاهدان امر یزدانی به تنفیذ نوایای مقدس ربّانی قیام نمودند و به تبشیر آئین یزدانی و تأسیس مراکز روحانی در سراسر جهان پرداختند...».

۱۰- رساله دور بهائی ترجمه فارسی رساله انگلیسی حضرت ولی امرالله موسوم به **The Dispensation of Baha-u-llah** است که به تاریخ ۸ فوریه ۱۹۳۴ م به قلم آن حضرت به رشته تحریر در آمده و ترجمه فارسی آن از جمله در سنه ۱۹۸۸ م در آلمان منتشر گردیده است. بخش سوم این رساله در باره حضرت عبدالبهاء است.
۱۱- نگاه کنید به رساله دور بهائی، ص ۵۳.

۱۲- حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه که در کتاب منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء (ج ۵، ص ۱۲۹) به طبع رسیده چنین می فرماید:

«... آنچه عقیده این عبد فانی است آن است که حضرت اعلی نقطه اولی روحی له الفداء آفتاب جهان بالا مطلع ربوبیت بود و مبشر به جمال قدم و جمال مبارک اسم اعظم شمس حقیقت نیر ملأ اعلی من ینظره الله روحی لعباده الفداء و اما این عبد عبدالبهاء و هذا سمتی و صفتی و لقبی و اکللی بل غایتی القصوی و مسجدی الأفضی و بیش از این کلمه حتی ذکر بنوّت یعنی ابینی جائز نه هر کس از مقام این عبد سؤال نماید در جواب بفرمایید عبدالبهاء و آنچه بیش از این بیان خواهد ابدأ تجاوز جائز نه هذا مقامی و شأنی و رتبتی و موهبتی و استفاضتی و اقتباسی و استجلاتی و نور وجهی و قرّة عینی».

و در لوحی دیگر که در صفحه ۱۳۰ کتاب فوق مذکور است، چنین می فرماید:

«... عقیده صمیمه عبدالبهاء این است که نقطه اولی حضرت اعلی روحی له الفداء مظهر ربوبیت عظمی و مبشر به جمال ابهی و شمس حقیقت و کینونت فردانیت و جلوه الوهیت نیر اعظم جهان بالا جمال ابهی و عبدالبهاء بنده ضعیف فانی آن دو کوکب بی همتا هذا جوهر حقیقتی و ساذج کینونتی و ذاتیه هویتی و من لم یعتقد بهذا ائه تاه فی بیداء الاوهام...».

۱۳- حضرت عبدالبهاء در لوح جناب حاجی آقا محمد علاقه بند یزدی از جمله چنین می فرماید:

«الله ابهی

ای ثابت بر پیمان هر چند گردباد افتتان و صرصر امتحان عالم امکان را احاطه نموده و روایات متزلزلین و حکایات از جمیع جهات منتشر ولی این عبد در عبودیت آستان مقدس ثابت و راسخ و به ذیل رقیبت عتبه سامیه متشبث و از اعظم آمال آنکه در آن درگاه این عبودیت مقبول افتد و لاتدعنی الا بیا عبده فائه اشرف اسمائی قسم به جمال قدم روحی لاحتیائه الفداء که هیچ آرزویی نداشته و ندارم مگر تاج عبودیتش را چون شعله سراج وهاج بر سر نهم و خلعت بندگی آستان مقدسش را در بر کنم و آنچه این عبد می گوید و می نگارد ثابت و برقرار خواهد شد و حال ایامی است که در حوالی روضه مبارکه بعضی اوقات مناجات می نمایم که ای پروردگرم من عاجز از اثبات عبودیت خویشم توثابت بگردان و تو موفق بر بندگی و عبودیت بفرما تا آرزوی دل و جان این بی سر و سامان حاصل گردد و اعظم آمال میسر شود و البهء علیک ع...».

و نیز حضرت عبدالبهاء در لوحی که در کتاب منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء (ج ۲، ص ۱۲۱) به طبع رسیده است چنین می فرماید:

«ای بنده حق در درگاه احدیت عبودیت سلطنت دو جهانست و عزت بی پایان. پس به جان و به دل جهد نما که این اکیلی عظیم را بر سر نهی و این شاهد جمیل را در بر گیری این شمع پر نور را در زجاج قلب برافروزی و جهانی را به نار محبت الله بسوزی.»

۱۴- در مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة (طهران: انتشارات قلم، ۱۳۶۳ ه ش، ترجمه و شرح حسن مصطفوی، صص ۴۵۴-۴۵۳) حدیثی از امام جعفر صادق نقل شده است که متن عربی و ترجمه آن به فارسی به شرح ذیل است:

البابُ المائَةُ فی حقیقة العبودیة

متن

قال الصادق (ع): العبودیة جوهره كُنْهها الرُّبویة، فَمَا فقد من (فی) العبودیة وُجد فی الرُّبویة، و ما حَفَى عن الرُّبویة أُصِيبَ فی العبودیة. قال الله تعالی - سُرَّیهم آیاتنا فی الآفاق و فی أنفُسهم حتَّى یتبین لهم أَنَّهُ الحقُّ أو لم یکف برتیک أَنَّهُ علی کُلِّ شیء شهید. و تفسیر العبودیة بذلُّ الكُلِّ (الکلیة)، و سببُ ذلك منغ النفس عَمَّا تهوی و حَمَلها علی ما تکره، و مفتاحُ ذلك ترک الراحة و حُبُّ العزلة. و طریقُه الافتقار الی الله تعالی. قال رسولُ الله (ص): أَعْبُدالله کَأَنَّک تراه لِما لَمْ یکن تراه فَأنه یراک.

ترجمه

باب صدم در حقیقت بندگی

حضرت صادق (ع) فرموده است: بندگی حقیقی جوهره ایست که اساس و ذات آن ربوبیت است، پس آنچه از مقام عبودیت کم و ناپیدا شد، در مقام ربوبیت پیدا و هویدا گردد. و هر مقداری که از مراتب و صفات ربوبیت مخفی و پوشیده گشت، در مراحل عبودیت جلوه گر و آشکار شود. خداوند متعال می فرماید: ما آیات و نشانی های خودمان را در آفاق و انفس ارانه و نشان می دهیم. تا اصل حق روشن گردد. و آیا برای آنان کافی نیست که خداوند جهان بر همه و بر بالای همه اشیاء و موجودات حاضر و شاهد است. و تفسیر حقیقت عبودیت: در گذشتن از همه علائق و بخشیدن هر چیزی در راه اوست، و مقدمه و سبب آن: باز داشتن نفس است از خواست های شخصی او، و واداشتن به آن اموری که موافق میل و هوای او نیست. و یگانه کلید این معانی، ترک راحت طلبی و خوشی ها، و عادت کردن به کناره گیری از معاشرت های مادی و نفسانی است. و راه و صراط این برنامه، دریافتن و ایمان به آنکه سراپا وجود او محتاج به خداوند متعال است، و به هر حال باید رضای او را تحصیل کند، و هر مقصد و خواسته ای داشته باشد باید از او بگیرد. رسول اکرم (ص) فرمود: خدای عزیز را بندگی کن چنان که: گویی تو او را می بینی، و هر گاه نتوانستی این حالت را دریابی: بدان که او حاضر و ناظر بر تو است.»

۱۵- عمده آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء که برای تحریر چند مطلب مطروحه مورد مطالعه قرار گرفته است، در جلد دوم کتاب منتخبانی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء به طبع رسیده است.

۱۶- مأخذ فوق، ص ۷۷.

۱۷- مأخذ فوق، صص ۷۹، ۳۶ و ۳۹.

۱۸- مأخذ فوق، ص ۷۸.

۱۹- مأخذ فوق، ص ۴۷.

۲۰- مأخذ فوق، ص ۴۵.